

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۶، پیاپی ۱۴۶، زمستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۹۰-۶۷

ظهور مالکیت خصوصی و انقلاب مشروطه در ایران بر مبنای رهیافت نظم‌های اجتماعی نهادگرایی^۱

علی جعفری شهرستانی^۲
فرشاد مؤمنی^۳
حجت الله میرزایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی ارتباط دوسویه ظهور مالکیت خصوصی و انقلاب مشروطه با استفاده از رهیافت نظم‌های اجتماعی به روش کیفی (تاریخی-تحلیلی) است. براساس یافته‌های این پژوهش، نظم اجتماعی حاکم تا پیش از انقلاب مشروطه، نظم دسترسی محدود شکننده بود که در آن نظام استبدادی با توزیع رانت زمین در میان فرادستان و دست‌کاری امنیت حقوق مالکیت، منافع خویش را تأمین می‌کرد. در عصر ناصری، اتصال ایران به بازارهای جهانی، افزایش تقاضای زمین را در پی داشت و وقوع خشکسالی منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی و به تبع آن فروش املاک خالصه برای خروج از بحران گردید و این دو شوک، گسترش مالکیت خصوصی به صورت بزرگ‌مالکی را در پی داشت. با توجه به اینکه براساس تئوری توازن دوگانه، دو سیستم اقتصادی و سیاسی نمی‌توانند در بلندمدت متفاوت از یکدیگر باشند، با

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.39814.2637

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1401.32.56.3.3

۲. دانشجوی دکتری گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
a.j.shahrestani@gmail.com

۳. استاد گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول) farshad.momeni@gmail.com

۴. استادیار گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
ho.mirzaei@atu.ac.ir

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «اقتصاد سیاسی توسعه‌بخش خصوصی در ایران» در دانشگاه علامه طباطبایی است.

آغاز جنبش مشروطیت، بزرگ‌مالکان به این جنبش پیوستند و با تدوین حقوق عمومی در قالب قانون اساسی برای نخستین بار، قدرت مطلقه را مشروط کردند و بدین ترتیب، در بُعد سیاسی نیز نظم اجتماعی به نظم دسترسی محدود پایه تغییر کرد و توازن دو سیستم برقرار گردید. علاوه بر این، با تصویب اصول ۱۵ تا ۱۷ متمم قانون اساسی و لغو تیول‌داری، حقوق مالکیت خصوصی به صورت قانونی تضمین گردید. **واژه‌های کلیدی:** نظم اجتماعی، توازن دوگانه، مالکیت خصوصی، انقلاب مشروطه، قاجار

مقدمه

نورث (۱۳۷۹) حقوق مالکیت را به عنوان منشأ انقلاب‌های اقتصادی اول (گذار از اشکال جمع‌آوری میوه و شکار به کشاورزی) و دوم (انقلاب صنعتی) دانسته و سطوح متفاوت توسعه در کشورها را به عملکرد متفاوت نظام‌های حقوق مالکیت آنها مرتبط دانسته (نورث، ۱۳۷۹: ۹۰-۸۴) و گفته است این حقوق آن پیوستگی و قابلیت پیش‌بینی اساسی را فراهم می‌آورد که برای کاستن از عدم اطمینان دو طرف قرارداد حیاتی است (همان، ۱۵۴). همچنین نورث و همکاران (۲۰۰۶)، پیشرفت خارق‌العاده و ناگهانی سطح زندگی انگلستان در قرن هجدهم را به انقلاب باشکوه ۱۶۸۸ نسبت داده‌اند که حکومت را مجبور کرد تعهدات معتبری در حمایت از حقوق مالکیت خصوصی بدهد. بر همین اساس، تضمین حقوق مالکیت اساسی‌ترین عامل در شکل‌گیری مالکیت خصوصی و رکن اصلی توسعه اقتصادی است.

از منظر تاریخی، مالکیت به معنی حق بدون خدشه استفاده از ابزار اساسی تولید است که تا پیش از سده اخیر در ایران به زمین تعلق می‌گرفت، در اختیار دولت‌ها بود و ساختار استبدادی حاکم بر کشور با ایجاد ناامنی در حقوق مالکیت، از زمین به عنوان ابزاری برای توزیع رانت در راستای حفظ بقا استفاده می‌کرد. لذا شکل‌گیری تعهدات قانونی معتبر برای توسعه مالکیت خصوصی در ایران، امری متأخر و مربوط به انقلاب مشروطه و تصویب اصول متمم قانون اساسی است. پرسش این است که چگونه و در بستر چه تحولات تاریخی-نهادی، ساختار حقوق مالکیت در ایران تغییر یافت و مالکیت خصوصی در میان فرادستان متولد شد؟ تبعات سیاسی این تغییر ساختار حقوق مالکیت چه بود و چگونه به تحکیم مالکیت خصوصی انجامید؟

برای پاسخ به پرسش‌های یادشده در این مقاله، از چارچوب مفهومی نظم‌های اجتماعی الگوی نظری اقتصاد سیاسی نهادگرایی استفاده شده است.

براساس چارچوب مفهومی ارائه شده توسط نورث و همکاران، فرایند توسعه حرکت از نظم با دسترسی محدود به نظم با دسترسی آزاد است. بر این مبنا، در دنیای مدرن دو الگوی اجتماعی اساسی به چشم می خورد؛ یکی نظم دسترسی محدود با مشخصاتی از قبیل: ۱. اقتصادهایی با رشد کند و آسیب پذیری بالا در برابر تکانه ها؛ ۲. اداره کشور بدون رضایت عمومی حکومت شونده ها؛ ۳. تعداد نسبتاً اندک سازمان ها؛ ۴. دولت هایی کوچک تر و متمرکزتر؛ ۵. غلبه روابط اجتماعی سازمان یافته در راستای ارتباطات شخصی از جمله امتیازات، سلسله مراتب اجتماعی، اجرای نابرابر قانون، نبود تضمین حقوق مالکیت و این حس غالب که همه افراد برابر خلق نشده اند یا برابر نیستند. دیگری نظم دسترسی باز که ویژگی های آن عبارت است از: ۱. توسعه سیاسی و اقتصادی؛ ۲. تعداد دوره های بسیار اندک رشد اقتصادی منفی؛ ۳. جامعه مدنی غنی با تعداد بسیار زیاد سازمان ها؛ ۴. دولت های بزرگ تر اما غیرمتمرکزتر؛ ۵. روابط اجتماعی غیرشخصی گسترده، شامل حاکمیت قانون، تضمین حقوق مالکیت، انصاف و برابری (برخورد یکسان با همه افراد در تمامی جنبه ها) (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳).

نظام های اجتماعی با دسترسی محدود یا دولت های طبیعی، به ترتیب رشد و تکامل تاریخی آنها، در سه سطح «دولت طبیعی شکننده»، «دولت طبیعی پایه» و «دولت طبیعی بالغ» پدیدار می شوند. حکومت طبیعی شکننده در مواجهه با شوک های داخلی و خارجی به ندرت از عهده بقای خود برمی آید. تعهدات درون ائتلاف مسلط در آن بی ثبات است و به هويت فردی اعضای ائتلاف وابسته است. حرکت از حکومت طبیعی شکننده به پایه، به شکل تدریجی صورت می گیرد و توانایی فزاینده در ساختار بندی ترتیبات بادوام تر درون سازمان حکومت، از مشخصه های آن است. نهادهای حکومت طبیعی پایه عمدتاً از جنس نهادهای حقوق عمومی اند که وجوه ظاهری حکومت، روابط درونی آن و روابط حکومت با اعضای ائتلاف مسلط را ساختارمند می کنند. نهادهای سازی فرایند تصمیم گیری، از میزان خشونت می کاهد و نهادهای عمومی امکان ایجاد برخی باورهای مشترک درباره رفتار میان فرادستان را به وجود می آورند که به افزایش دامنه تعهدات معتبر حکومت منجر می شود. در این حکومت، سازمان هایی قابلیت دوام دارند که ارتباطات مستقیمی با حکومت دارند. با آغاز توسعه تدریجی حکومت طبیعی پایه، حقوق عمومی نوشته یا نانوشته، به تکوین سازمان های پیچیده تر منجر می شود. ساختارهای نهادی بادوام برای حکومت و توانایی پشتیبانی سازمان های فرادست که بیرون از چارچوب اصلی حکومت هستند، مشخصه حکومت طبیعی بالغ به شمار می رود. در واقع، هرگاه حقوق محدود شده به فرادستان برای تشکیل سازمان محقق شود، حکومت

طبیعی پایه به حکومت طبیعی بالغ نزدیک‌تر می‌شود (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴-۳۰). گذار از نظم دسترسی طبیعی به نظم دسترسی باز، در شرایطی رخ می‌دهد که فرادستان در موقعیتی قرار گیرند که منفعت خود را در حرکت به سمت ترتیبات غیرشخصی درون فرادستانی ببینند (همان، ۷۰-۷۲).

ثبات در نظم طبیعی منوط به توازن دوگانه است. از یک سو، توازنی دوگانه، تناظری بین توزیع و سازماندهی پتانسیل خشنونت و قدرت سیاسی و از سوی دیگر، توزیع و سازماندهی قدرت اقتصادی است. طبق ایده توازن دوگانه، نه تنها تمامی نظام‌های اجتماعی در یک جامعه باید از توازن درونی منافع برخوردار باشند، بلکه نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی باید دارای نظام‌های انگیزشی سازگار در قبال یکدیگر باشند تا جامعه باثبات باقی بماند (همان، ۶۳). تکانه‌های داخلی و تحولات محیطی می‌توانند توازن دوگانه را برهم بزنند و عدم تعادل سیستم سیاسی و اقتصادی، اجتماعی در نظم اجتماعی را سبب شوند. البته براساس این مدل مفهومی، این عدم توازن نمی‌تواند در بلندمدت پایدار باشد؛ به همین دلیل باید به وضعیت سابق بازگردد و یا تعادل جدیدی برقرار گردد.

سازوکار شکل‌گیری توازن دوگانه، بر ایجاد و تخصیص رانت استوار است. در وضعیت طبیعی، عمده رانت توسط قدرت مرکزی ایجاد می‌شود و رانت‌ها تقریباً پایدارند. این مزیت انحصاری از طریق محدود کردن دسترسی به سازمان‌ها و شرکت‌های اقتصادی ایجاد و از طریق سیستم حقوقی نیز حفاظت می‌شود. در این صورت این رانت‌ها پایدار می‌مانند. در این چارچوب، نظم دسترسی محدود سیاسی از طریق نامنی حقوق مالکیت به دسترسی محدود اقتصادی منجر خواهد شد و به همین دلیل توازن و ثبات برقرار می‌شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات معدودی با استفاده از الگوی نظری نهادگرایی و چارچوب مفهومی نظم‌های اجتماعی در مورد انقلاب مشروطه انجام شده است که عمده این مطالعات بر علل وقوع این تحول اجتماعی متمرکز نبودند و عمدتاً دوره طولانی‌تری را مورد بررسی قرار داده‌اند. اهم این مطالعات از قرار ذیل می‌باشد:

دهقان‌نژاد^۱ در مقاله‌ای با بهره‌گیری از ادبیات نهادگرایی، به بررسی موانع نهادی

۱. مرتضی دهقان‌نژاد (تابستان ۱۳۸۵)، «موانع نهادی توسعه‌نیافتگی (فقدان امنیت مالی)»، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال هجدهم، شماره ۲، صص ۵۳-۷۱.

توسعه نیافتگی اقتصادی در ایران با تأکید بر فقدان امنیت پرداخته است. در این پژوهش، دولت قاجار دولتی استبدادی معرفی شده که تنها به دنبال تأمین منافع گروه‌های قدرت‌مدار بود و با ممانعت از شکل‌گیری نهادهای ناکارآمد، حقوق مالکیت افراد را به‌ویژه در تجارت و امکانات سرمایه‌ای به رسمیت نمی‌شناخت. نتیجه این امر، افزایش هزینه‌های معاملاتی و کاهش سرمایه‌گذاری بود و انقلاب مشروطه اولین گام اصلاحی مردم برای احقاق حقوق خود بوده است.

زمانی^۱ در رساله دکتری خود با هدف تحلیل توسعه ایران مبتنی بر نظم اجتماعی که به روش کیفی انجام گرفته، نشان داده است که چگونه ائتلاف غالب بر شکل‌گیری و تداوم ناکارآمدی اقتصادی (مطالعه موردی: شرکت‌های دولتی و همچنین فرایند خصوصی‌سازی) تأثیرگذار بوده است. وی تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا اوایل دهه ۱۳۹۰ را بررسی کرده و نشان داده است که نظم اجتماعی شکننده در دوره رضاشاه ابتدا بهبود یافته بود، اما در دهه ۱۳۱۰ به دلیل سرکوب و قتل بسیاری از ذی‌نفوذهای سیاسی و نظامیان، رو به وخامت گذاشت.

صالحی اصفهانی و سویکر^۲ در مقاله‌ای نظم اجتماعی ایران از اوایل قرن بیستم تاکنون را مطالعه و مبتنی بر آن عملکرد اقتصادی را تحلیل و با کشور ترکیه مقایسه کرده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش که بر پایه رهیافت نظری نظم‌های اجتماعی و به روش کیفی انجام گرفته است، در دوره قبل از کودتای اسفند ۱۲۹۹، در ایران نظم دسترسی شکننده حاکم بوده است. رنانی^۳ در مقاله خود با هدف ارائه تصویری از نظم اجتماعی حاکم بر ایران، براساس رهیافت نظری نظم‌های اجتماعی و به روش کیفی، حکومت‌های ایران پیش از مشروطیت را دارای نظم دسترسی محدود شکننده قلمداد کرده است که پس از استقرار بلندمدت یک سلسله، کم‌کم به سوی نظام دسترسی محدود پایه حرکت کرده‌اند. براساس یافته‌های این مقاله، انقلاب مشروطه حاصل استقرار بلندمدت نظام دسترسی محدود شکننده بود که با ظهور رضاشاه به سمت پایه حرکت کرد.

زمانی^۴ در مطالعه خود با استفاده از رهیافت نظم‌های اجتماعی، به نوع نظم اجتماعی حاکم

۱. رضا زمانی (۱۳۹۲)، «تحلیل توسعه ایران در یکصد سال اخیر مبتنی بر رهیافت نظم اجتماعی»، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

2. Salehi Esfahani and Esra Ceviker Gurakar (2014), "Social Order, Rents, and Economic Development in Irna Since the Early 20th Century", *The Economic Forum*, wp 850.

۳. محسن رنانی (۱۳۹۵)، «نظم شکن در شکن»، فصلنامه دریچه، سال یازدهم، شماره ۴۰.

۴. رضا زمانی (تابستان ۱۳۹۸)، «تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)»، پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۷۳)، صص ۱۱۸-۸۵.

بر ایران بین دو انقلاب (۱۲۸۵-۱۳۵۷) پرداخته است. براساس یافته‌های این مطالعه که به روش کیفی انجام شده، ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹، گرفتار وضعیت طبیعی شکننده بوده است.

روش تحقیق

روش انجام این پژوهش تحلیل کیفی (تاریخی-تحلیلی) است که در چارچوب آن، تحلیل‌ها براساس الگوی نظری پژوهش صورت گرفته است. در اینجا منظور از پژوهش تاریخی، بازسازی نظام‌مند و عینی گذشته است که از طریق گردآوری، ارزیابی و ترکیب حوادث به منظور اثبات وقایع و دستیابی به نتیجه‌ای در چارچوب مبانی نظری صورت گرفته است. داده‌های تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با استخراج از متون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جمع‌آوری شده است. روش شناسایی تحولات نیز براساس انطباق شرایط اقتصادی و سیاسی ایران با شرایط اقتصاد سیاسی و نظم اجتماعی ارائه‌شده در مبانی نظری است.

۱. بحث و بررسی

۱-۲. جایگاه مالکیت زمین در نظام اقتصاد سیاسی ایران

در جوامع کشاورزی، رانت اقتصادی اصلی زمین است. بنابراین دسترسی به زمین، استفاده و توانایی کسب درآمد از آن، مجموعه‌ای غنی از ابزارها را فراهم می‌کند که ائتلاف مسلط و ارتباط آن با کل اقتصاد را ساماندهی می‌کند. اگر دسترسی به زمین در متوازن کردن منافع گروه‌های درون ائتلاف مسلط، نقش ایفا می‌کند، پس برای تعریف روشن حقوق مالکیت زمین در جوامع در حال توسعه، دلالت‌هایی وجود دارد. حقوق مالکیت روشن، به افزایش ارزش زمین می‌انجامد، اما از توانایی استفاده از زمین به مثابه ابزاری برای ساختاربندی مناسبات فرادستان در حکومت طبیعی نیز می‌کاهد. در نتیجه، تأمین بیشتر حقوق زمین، به تضاد منافع فرادستان منجر می‌شود. بازتوزیع منعطف مالکیت و کنترل زمین در حکومت طبیعی شکننده، می‌تواند به صورت ابزاری برای متوازن کردن منافع درون ائتلاف مسلط، به‌ویژه جابه‌جایی توازن قوا میان اعضای برجسته به کار آید (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

در ایران نیز که از منظر جغرافیایی کشوری با اقلیمی خشک است، زمین و آب در پیوند با یکدیگر، عامل اصلی تولید بوده و تأثیر قابل توجهی بر ساختار قدرت سیاسی در طول تاریخ در کشور داشته است؛ به گونه‌ای که قدرت و نفوذ فرمانروایان ایران غالباً به دو موضوع قبایلی که به آنها منسوب بوده‌اند و اراضی ملکی آنها، نسبت داده شده است (امانی و دهنوی، ۱۳۹۶:

در طول تاریخ، نظام‌های سیاسی حاکم بر ایران، در کادر نظم اجتماعی محدود شکننده، با دست‌کاری حقوق مالکیت و استفاده از اعمال مالکیت قهری بر زمین، عموماً به دو شکل از منافع آن برخوردار می‌شدند؛ نخست مالیات‌ستانی از زمین و دیگری واگذاری رانت استفاده از آن به سایر فرادستان در ازای ارائه خدمات نظامی با هدف کنترل خشونت و تثبیت حکومت. در این روش، زمین‌های خالصه (متعلق به دولت) اغلب به مقطّعان و تیول‌داران واگذار یا اجاره داده می‌شد و در مقابل، تیول‌داران وظیفه گردآوری مالیات و انتقال آن به حکومت و همچنین انجام برخی خدمات نظامی را برعهده داشتند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۵۲). در این دوران سازمان‌های اقتصادی به شکل مستقل وجود نداشته و کاملاً وابسته به ساختار قدرت و سازمان سیاسی جامعه بوده‌اند.

علاوه بر خالصه‌ها، در عصر ناصری اراضی وقفی، اربابی و دهقانی (خرده‌مالکی) آشکال دیگر مالکیت بر زمین بوده‌اند (رحمانیان و میرکیایی، ۱۳۹۳: ۲۲۱). براساس شواهد موجود، از آغاز سده نوزدهم تا میانه عصر ناصری، بر وسعت زمین‌های خالصه افزوده شد، اما در دهه‌های آخر سلطنت وی، نظام تیول‌داری غالب شده است (علم و کاظمی، ۱۳۹۶: ۹۵).

۲-۲. توازن دوگانه در نظم طبیعی شکننده عصر ناصری

در چارچوب حکومت طبیعی شکننده، ساخت استبدادی حکومت در دوران قاجاریه و کنترل شاه بر عوامل اصلی تولید به‌ویژه آب و زمین، امکان انباشت سرمایه و شکل‌گیری مازاد تولید برای توسعه فعالیت‌ها و به دنبال آن، رشد اقتصادی را از میان برده بود. در این دوران، شاه مالک یگانه تلقی می‌شد (احمدزاده، ۱۳۹۶: ۱۱) و اموال هیچ‌کس حتی رجال درباری نیز از گزند تصرف شاه در امان نبود. تصرف اموال رجال مقتدری چون حاج میرزا آقاسی وزیر دوره محمدشاه، آصف‌الدوله حاکم خراسان، عمادالدوله حاکم کرمانشاهان، بازخواست حاج محمدحسن امین‌الضرب (به بهانه تقلب در ضرب سکه) و غیره را می‌توان به عنوان شاهدی بر این ادعا ارائه کرد (وثوقی مطلق، ۱۳۸۴: ۱۸۷).

گزارش‌های متعددی در این زمینه وجود دارد؛ از جمله آنکه احتشام‌السلطنه در این باره در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه نوشته است: «هیچ کس در واقع صاحب هیچ چیز نبود و هیچ‌گونه تأمین و ضمانتی برای حفظ ثروت و حیثیت و حتی نوامیس مردم وجود نداشت جز اینکه پادشاه حق داشت بنا به اراده و میل شخصی فرمان ضبط و مصادره اموال اشخاص را صادر کند و غالباً از این قبیل فرامین صادر می‌کرد...» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۲۴). همچنین

هربرت که در اوایل قرن هفدهم به ایران سفر کرده بود، نوشت قدرت شاه در ایران و دیگر کشورهای اسلامی «با هیچ قانونی محدود نمی‌شود» و «مرگ و زندگی افراد به دست پادشاه ایران است بدون هیچ محاکمه‌ای می‌تواند محکوم کند و می‌تواند هرگاه که بخواهد مال و اموالشان را بدون کوچک‌ترین توجهی به مسئله حق و حقوق ضبط کند و این مسأله مخصوصاً در مواقعی که شخص ثروتمندی بمیرد، صادق است» (هربرت، ۱۹۲۸: ۲۲۷). موریه نیز در گزارش دیگری متذکر شد که «کمتر کسی به کشت می‌پردازد، چون می‌داند که حاصل کارش ممکن است به دست هر کسی برسد غیر از خودش و به همین دلیل است که به زندگی بخور و نمیر راضی‌اند» (موریه، ۱۸۱۱).

یکی از پیامدهای این ساختار، تشویق دفاینه‌سازی بود و مازاد انباشت‌شده به جای به کار افتادن در اقتصاد، برای در امان ماندن از گزند مستبدان، از فرایند تولید و بازتولید بیرون می‌رفت و به صورت دفاینه درمی‌آمد (سیف، ۱۳۸۰: ۱۵۶). روزنامه «حبل‌المتین» در همین باره نوشته بود: «چقدر مایه تأسف است که ثروت ایرانیان از عدم اطمینان یا در زیر خاک پنهان مانده و یا به سود بسیار قلیلی در بانک‌های خارجه می‌باشد و دولت وجه خویشتن را رهین منت اجانب دارد و این نتیجه عدم اطمینان ملت است. تمام خرابی مملکت، احتیاج دولت، فقر ملت، عروج تجارت اجانب، همه از عدم اطمینان ملت است» (روزنامه حبل‌المتین ۱۹ ذی‌القعده ۱۳۱۸): شماره ۲۲، ص ۱۵). بر همین اساس، اقتصاد ایران در دوره قاجار، اقتصادی وابسته به زمین بود که به علت ساخت استبدادی حکومت مطلقه و عدم وجود امنیت حقوق مالکیت، هیچ مازادی در آن انباشت نمی‌شد (احمدزاده، ۱۳۹۶: ۱۲)، در تولیدات کشاورزی سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گرفت، تکنولوژی تولید بسیار بدوی و کم‌بازده بود و معیشت مردم در وضعیت بخور و نمیر قرار داشت.

با این وصف، حکومت قاجاریه تا عصر ناصری در چارچوب تئوری نظم‌های اجتماعی، حکومتی با نظم دسترسی محدود شکننده محسوب می‌شود که در آن، سازمان‌های اقتصادی و سیاسی و نیروهای نظامی و غیرنظامی به روشنی قابل تشخیص از هم نبودند و در آن سازمان‌های اجتماعی گوناگون (ایلات و عشایر) از قدرت اعمال خشونت برخوردار بودند. در این ساختار، استبداد سیاسی مطلقه در کنار مالکیت مطلق شاه بر املاک و اموال مردم، توازن دوگانه‌ای را برقرار ساخت که ثبات دولت استبدادی قاجاریه را در پی داشت، اما در عصر ناصری وقوع دو شوک عمده، با تحول در سیستم اقتصادی، نظم اجتماعی را از توازن خارج کرد.

۱-۲-۲. شوک نخست: اتصال ایران به بازارهای جهانی

در پی رواج مبادلات تجاری پولی در قرن نوزدهم، اقتصاد روستایی از راه مناسبات بازرگانی به بازار گسترده‌تر ناحیه‌ای، مملکتی و در نهایت، به بازار جهانی پیوند خورد (نوشیروانی، ۱۳۶۱: ۲۲۸). اتصال ایران به بازارهای جهانی، اقتصاد ایران را نیز دستخوش تحول کرد و به روی آوردن دهقانان به محصولات تجاری نظیر پنبه و خشکبار، آن هم در اقتصادی که تولید مواد غذایی مازاد چندانی نداشت، منجر گردید (فوران، ۱۳۹۰: ۱۸۹). با تجاری شدن کشاورزی و نیاز به اراضی زراعی بیشتر، زمین ارزش بیشتری پیدا کرد. این افزایش ارزش زمین و ایجاد فرصت صادرات محصولات کشاورزی به بازارهای خارجی، در کنار تمایل به خرید زمین برای کسب اعتبار و منزلت اجتماعی، منجر به افزایش بیش از پیش گرایش به زمین‌داری و تملک اراضی گردید. در نتیجه بیشتر دولتمردان، سرمایه‌داران و حتی اتباع خارجی با خرید روزافزون اراضی مزروعی و یا با توسل به روش‌های غیرقانونی، همانند تصرف عدوانی و یا اجاره کردن اراضی عمومی، املاک خالصه و تیول‌ها و در نهایت تملک آنها، در جهت رسیدن به این هدف گام برداشتند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۲؛ ناد و همکاران، ۱۳۹۶). حاج سیاح در خاطرات خود نقل کرده است که: «تجار هم این نعمت بی‌زحمت را در ملاکی دیدند... آنها که می‌بایست در تجارت مملکت و ترویج متاع وطن و مصنوعات ایران صرف شود، آنان هم با فریب دادن مالکان دهات اطراف به دادن مال‌الاجاره به چند مقابل و رفتن فرع‌ها به سند بیع شرط‌ها، بیچاره دهقانان را مستأصل می‌نمودند و مالک املاک می‌شدند... هر پول‌دار خود را داخل ملاکین کرده و برای خود رعایا و اسراء خرید...» (سیاح محلاتی، ۱۳۵۶: ۴۷۱-۴۷۲). میرزا حسین تحویلدار نیز به تمایل تجار اصفهان به زمین‌داری و کشت و زرع با هدف فروش و صدور محصولات کشاورزی، اشاره کرده است (تحویلدار اصفهانی، ۱۳۴۲: ۹۲). نمونه مشابه دیگری را حسینی فسائی در *فارس‌نامه ناصری* آورده است (حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ۹۵۶/۲).

در مجموع، این تحولات اقتصاد کشور را بیشتر به بخش کشاورزی وابسته ساخت و بدین ترتیب، با حرکت بخشی از سرمایه موجود به سوی کشاورزی، تقاضای زمین دوچندان شد.

۲-۲-۲. شوک دوم: خشکسالی و گسترش تصرف املاک

ایران در دوره ناصرالدین‌شاه طی سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۲۹۱ق. به تناوب دچار خشکسالی شد (شعبانی و مهرعلی‌تبار، ۱۳۹۲: ۴۱). به گفته ناظران خارجی، تنها در قحطی سال ۱۲۸۷-۱۲۸۸ق. نزدیک به دو میلیون نفر جان خود را از دست دادند. این خشکسالی علاوه بر کاهش

جمعیت، تبعاتی چون گرانی، آشوب، ناامنی و تنزل عملکرد اقتصادی را در پی داشت (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۳۰۳)؛ به گونه‌ای که براساس گزارش کرزن، وضع اقتصادی ایران طی بیست سال (۱۸۶۴-۱۸۸۴م) به دلیل خشکسالی‌های پیاپی به کلی نابود شده بود (کرزن، ۱۳۸۰: ۵۷۴/۲). وقوع خشکسالی و قحطی از چند جنبه بر کشاورزی و مالکیت زمین تأثیر گذاشت:

الف. توسعهٔ املاک خالصه: جمع زیادی از رعایا که به سختی آسیب دیده بودند، املاک مزروعی خود را به جای پرداخت مالیات از دست داده و یا به دلیل نداشتن امکان پرداخت مالیات، آن را منتقل کرده (انصاری رنانی و کرمانی، ۱۳۸۰: ۲۵) و یا با رها کردن زمین‌های حکود، به شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ مهاجرت کرده بودند (خداداد و منظورالاجداد، ۱۳۸۹). در همین زمینه حسام‌السلطنه در قحطی سال ۱۲۸۸ از خراسان به شاه نوشته بود: «از هر صد خانه هشتاد خانهٔ آن مرحوم و متفرق شده و هنوز در کار تفرقه شدن هستند» (ساکما، ۲۹۵/۴۳۳۱). روزنامه ایران نیز در گزارش‌هایی از ورود دسته‌جات بزرگ مردم به تهران، اصفهان، یزد و شیراز در این دوران خبر داده است (روزنامهٔ ایران، ۱۰ ذی‌القعدة ۱۲۷۷: شمارهٔ ۵، ص ۱۰؛ روزنامهٔ ایران، ۱۲ شعبان ۱۲۸۸: شمارهٔ ۱۲، ص ۷). به گزارش لمبتون، در نتیجهٔ این خشکسالی و مهاجرت، بسیاری از املاک خاصه و اربابی به اراضی بایر تبدیل شد و سپس به صورت خالصه درآمد (لمبتون، ۱۳۳۹: ۲۸۹).

ب. تصرف اراضی به دست تجار و یا خوانین: گروه‌های مختلف مردم معمولاً با وثیقه کردن زمین، مجبور به استقراض از تجار بودند و هنگامی که در بحران کمبود نقدینگی ناشی از قحطی، پرداخت مطالبات آنان به تعویق می‌افتاد، زمین‌هایشان توسط تجار تصرف می‌گردید (رحمانیان و میرکیایی، ۱۳۹۳: ۲۳۲-۲۳۰). برخی از رعایای کاشان در عریضه‌ای به «مجلس تحقیق مظالم» نوشتند: «از حاجی سید حسین نام در سال مجاعه قرض می‌کردیم و املاک و میاه گرو گذاشتیم و چون ممکن نشد که پول او را زود بدهیم املاک ما را تصرف کرد» (کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران، سند شمارهٔ ۰۹۲). حاج سیاح نیز در همین باره گزارش کرده است: «از نکبت ایران است که املاک و دهات سابقاً ملک زارعان و خرده مالک بوده کم کم مدتی در هر بلوک و ناحیه عده‌ای قوی‌تر شده که خوانین باشند و املاک بسیاری را به ظلم از دست ضعفا گرفته آن آبادی‌ها که در ملکیت زارعین بوده کم گردیده» (سیاح محلاتی، ۱۳۵۶: ۱۲۵). در مجموع، این شوک به تضعیف خرده‌مالکی و تقویت مالکان بزرگ انجامید.

۲-۳. خروج نظم اجتماعی از توازن

تحولات عصر ناصری مبتنی بر دو شوک «اتصال ایران به تجارت خارجی» و «وقوع خشکسالی»، سیستم اقتصادی و به تبع آن ساختار مالکیت زمین را دستخوش تحول کرد. وقوع قحطی‌های بزرگ و وصول مالیات را به‌ویژه در ایالات جنوبی، مرکزی و شمال شرقی که به سختی آسیب دیده بودند، به شدت تحت تأثیر قرار داد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۱۶) و دولت به‌ناچار برای مالیات رعیت، تخفیف فراوان قائل شد (آدمیت، ۱۳۵۱: ۳۱۱). این امر سبب شد حکومتی که در آمد عمده آن را مالیات ارضی تشکیل می‌داد، دچار بحران مالی شود و به همین دلیل دولت ناچار شد برای جبران کاهش درآمد و افزایش هزینه‌های خود در خشکسالی ۱۲۸۸ق، وجوه هنگفتی از دولت انگلستان قرض کند (کرزن، ۱۳۸۰: ۷۴۲/۲). برای رهایی از بحران کسری درآمد و افزایش بدهی‌ها، دولت فروش خالصه‌ها به ملاکان و زمین‌داران را در دستور کار قرار داد. این پیشنهاد برای نخستین بار توسط میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله در سال ۱۲۸۹ق - سومین سال قحطی بزرگ - در کمیسیونی که به منظور تأسیس بانک به دستور میرزا حسین‌خان سپهسالار تشکیل شده بود، مطرح شد (میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ۱۳۸۱: ۲). بر همین اساس، ناصرالدین‌شاه در اواخر سلطنت خود در سال ۱۳۰۴ق، طی فرمانی فروش املاک خالصه، به‌جز در حومه تهران را آزاد اعلام کرد و طی ده سال بیشتر این املاک به فروش رفت (لمبتن، ۱۳۳۹: ۲۷۷-۲۸۸) و به دنبال آن مقام‌های ارشد، دیوانیان، رؤسای ایلات، والیان و حکام صاحب املاک وسیعی شدند (فوران، ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۸۹؛ ظل‌السلطان، [بی‌تا]: ۲۶۲؛ سیاح محلاتی، ۱۳۵۶: ۴۷۱).

روشی که ناصرالدین‌شاه در انتقال املاک به افراد در پیش گرفته بود، تقریباً در هیچ کشوری سابقه نداشت. او برخلاف روش معمول در بسیاری از کشورها که خالصه‌جات را طبق شرایط خاص و با توجه به مصالح عمومی به افراد و مؤسسات واگذار می‌کردند، زمین‌های خالصه را با شرط پرداخت مبلغی نقد و یا مقداری جنس به دولت، به افراد انتقال می‌داد. خالصه‌جات غالباً در تیول اشخاص بود و به همین دلیل آنها حق تقدم داشتند و در صورت نپذیرفتن، امتیاز خرید به دیگری واگذار می‌شد. میزان پرداخت نقدی و جنسی ملک را براساس عایدات سه سال گذشته تخمین می‌زدند^۱ و پس از صدور فرمان، ثبت دفتری می‌شد و

۱. گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که با توجه به روشی که برای تعیین قیمت زمین انتخاب شده بود، بهره‌برداران برای پرداخت بهای کمتر، به دنبال خراب و ویران نشان دادن املاک بوده‌اند (برای نمونه، ن.ک. به: روزنامه اختر، جمادی‌الاول ۱۳۰۵: سال ۱۴، شماره ۱۲).

به نام خریدار انتقال می‌یافت. خریدار در زمان صدور فرمان، علاوه بر رسم دفتری، مبلغی معادل عایدات نقدی ملک، پول طلا به شاه تقدیم می‌کرد. در این نوع فروش مقید و مشروط، خریدار مالک شناخته می‌شد و ملک خریداری شده انتقال‌پذیر به غیر بود؛ مشروط بر اینکه به تبعهٔ خارجه منتقل نشود و خریدار هر ساله مقدار نقدی و جنسی را به صورت مرتب می‌پرداخت. در فرمان شاه، چنین انشاء می‌شد: «... اراده علیه همایونی محض آبادی و ترقی و ترویج زراعت و فلاح که رکن رکین ثروت و ملت و مملکت است به فروش خالصه‌جات دیوانی به آحاد و افراد طبقات نوکر و رعایای این دولت جاوید علاقه گرفته و در کل ممالک محروسه این اراده مطاعه ملوکانه مجرا و املاک خالصه زیاد به موجب صدور فرامین همایون به علمای اعلام و چاکران دولت ابد ارتسام و رعایای تجار و زارع و غیره فروخته و مرحمت و واگذار شده که از روی غایه الوصولی اطمینان و اعتماد در آبادی آن جاها که ملک طلق آنها گردیده است مجاهده و سعی و کوشش نمایند...» (ساکما، ۱۵۶۷۳-۵: ۳۹).

بنابراین در آستانهٔ انقلاب مشروطه، در سایهٔ فروش اراضی خالصه و نیز تمایل تیولداران به موروثی کردن املاک خود و همچنین ورود عناصر جدید از جمله تجار یا دیگر صاحب‌منصبان دولتی به عرصه زمین‌داری، املاک خصوصی و نظام بزرگ مالکی به‌طور چشمگیری گسترش یافته بود. از یک طرف، زمین‌داران اعم از اعیان، اشراف، شاهزادگان، روحانیان، تجار و رؤسای ایلات به‌طور بی‌سابقه‌ای قدرتمند شده بودند و با وجود اختلافات، خود به عناصر مهمی در ساختار سیاسی تبدیل شدند. از طرف دیگر، دهقانان و رعایای دهات در نتیجهٔ رشد املاک خصوصی و اربابی و تجاری شدن کشاورزی و به دنبال ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی، بیش از پیش به مالکان و زمین‌داران وابسته شدند؛ به همین دلیل سیاست فروش خالصه‌ها بر قدرت و نفوذ سیاسی مالکان بزرگ افزود (رحمانیان و میرکیایی، ۱۳۹۳: ۲۳۳؛ علم و کاظمی، ۱۳۹۶: ۹۷).

آمارها نیز نشان می‌دهد که در اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه از میزان املاک دولت به‌طور چشمگیری کاسته شده و بر نظام بزرگ مالکی و املاک خصوصی و اربابی افزوده شده بود؛ چنان‌که ۶۶ درصد املاک در اختیار زمین‌داران بزرگ بوده، ۱۰ درصد املاک وقفی، ۶ درصد از خرده‌مالکان، ۴ درصد از رؤسای قبایل و تنها ۴ درصد در دست دولت باقی مانده بود (رواسانی، [بی‌تا]: ۶۹).

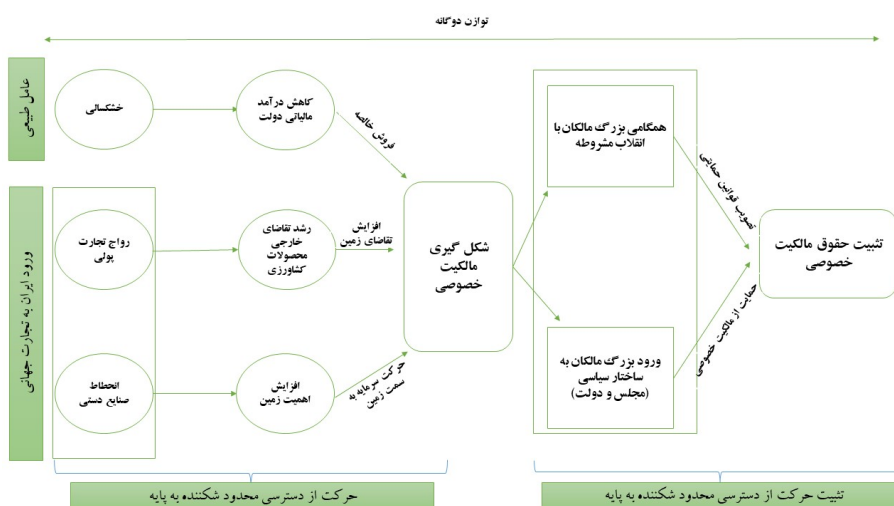
در چارچوب نظم دسترسی محدود شکننده، این تحولات ثبات در سیستم اقتصادی را دستخوش تغییر کرد. با رشد بزرگ مالکی، سیستم اقتصادی که مبتنی بر مالکیت مطلق شاه بر زمین و استفاده از آن به عنوان رانت برای توزیع قدرت اقتصادی میان فرادستان بود، دستخوش

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۷۹

تحول گردید و با فروش املاک خالصه به فرمان شاه، مالکیت خصوصی پدید آمد و حکومت متعهد به ارائه تعهداتی به بزرگ مالکان گردید. این تحول که به معنای گذار از نظم دسترسی محدود شکننده به پایه بود، با توجه به عدم تغییر در ساخت سیاسی و تداوم استبداد و حکومت مطلقه، به خروج نظم اجتماعی از تعادل منجر شد.

۲-۴. توازن دوگانه؛ تغییر ساختار سیاسی به دنبال تغییر ساختار مالکیت

تصویر ۲. تغییر ساختار حقوق مالکیت براساس نظریه توازن دوگانه



منبع: یافته‌های پژوهش

تحول در نظام مالکیت زمین به عنوان مهم‌ترین عامل تولید در سیستم اقتصادی، به افزایش نفوذ سیاسی مالکان در کشور منجر شد، اما بزرگ مالکان همچنان از استبداد و تعدی عمال آن در امان نبودند و هیچ قانونی برای حفاظت از جان و مال آنها وجود نداشت (سیف، [بی‌تا]). در این شرایط با شکل‌گیری زمینه‌های انقلاب مشروطه، اشراف و تجار زمین‌دار نیز به آن پیوستند. در روایات تاریخی، تجار به ستوه آمده از مظالم استبداد، از سردمداران انقلاب مشروطه شمرده شده‌اند و درباره اشراف زمین‌دار به فرصت‌طلبی آنها برای تأمین منافعشان از طریق انقلاب مشروطه اشاره شده است.

به گفته آبراهامیان، در دوره قاجاریه «وضع طبقه متوسط سنتی از نظر اقتصادی و اجتماعی بهبود یافت. در عین حال این طبقه از نظر سیاسی صاحب قدرت چندانی نبود و مطیع اوامر حکومت قلمداد می‌شد. به تدریج طبقه متوسط سنتی به سمت نارضایتی از حکومت قاجار

گرایش پیدا کرد» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۷۶-۷۷). به گفته وی، «آنان از سرمایه و مالکیت خصوصی و کسب و کار مردم در برابر تجاوز استبداد داخلی و استعمار خارجی حمایت می‌کردند. در مجموع باید گفت نقش طبقه متوسط سنتی در مشروطیت نقش چشمگیر و مهمی بوده است...» (همو، همان، ۱۱۷). بنا به نوشته اشرف، «آشنایی بازرگانان با غرب و وضع هم‌تایان فرنگی خود و حمایت‌های بی‌دریغ دولت‌های غربی از تجار خود در کنار تبعیضاتی که حکومت خودکامه میان تجار ایرانی و تجار فرنگی به نفع تجار فرنگی قائل می‌شد، موجبات تشدید نارضایتی این بازرگانان را فراهم می‌کرد» (اشرف، ۱۳۵۹: ۱۰۶)؛ به همین دلیل تجار در سال‌های پیش از انقلاب مشروطه، خواهان احترام به مالکیت فردی، حفظ املاک و مستغلات، کاستن از مواجب، در اختیار گرفتن بازار پولی کشور، حمایت دولت از منافع تجار داخلی، رواج کالاهای ایرانی و ممانعت از ورود کالاهای خارجی و سپردن امور تجاری به خود تجار بودند (ترابی فارسانی، ۱۳۷۱: ۲۶).

در مورد اشرافیت زمین‌دار نیز آبراهامیان معتقد است: «برخی از آنان در راستای کسب منافع بیشتر با انقلاب مشروطه همراهی داشتند» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۲۵). همچنین به گفته کاتم (۱۳۷۱)، «اشرافیت زمین‌دار که در آن مقطع در آستانه تشکیل و سازماندهی بود، متوجه شد چه خطری از جانب مشروطیت موقعیتشان را تهدید می‌کند و چون توان مقاومت را در خود نمی‌دید و از سویی متوجه شد که روحانیت و بازرگانان خواهان تغییر نظام هستند، بنابراین قانون اساسی را پذیرفت و سعی کرد با حضور در مجلس شورای ملی، از هر نوع اقدام افراطی که خطری را متوجه مقام و موقعیت اشرافیت می‌کرد، جلوگیری کند» (کاتم، ۱۳۷۱: ۴۹). لذا با پیروزی انقلاب مشروطه، طبقه زمین‌دار اعم از تجار صاحب زمین و اشراف زمین‌دار نیز با هدف تثبیت حقوق مالکیت خود به مجلس قانونگذاری وارد شدند. ترکیب طبقاتی نمایندگان مجلس اول (۱۳۲۴-۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۶-۱۹۰۸ م) و ماهیت مذاکرات آنان می‌تواند رویکرد نظام مشروطه به مسئله زمین‌داری را آشکار کند. در نظام‌نامه انتخاباتی مجلس مشروطه، رأی‌دهندگان شامل طبقات شش‌گانه زیر بودند:

۱. شاهزادگان؛ ۲. اعیان و اشراف؛ ۳. علما و طلاب؛ ۴. تجار؛ ۵. ملاکان و فلاحان؛ ۶.

اصناف.

درباره ملاکان و فلاحان ابهامی وجود دارد؛ زیرا در ماده اول نظام‌نامه آمده است: «ملاک عبارت از ارباب ملک است و فلاح عبارت از زارع»، اما در ماده دوم درباره شرایط انتخاب‌کنندگان آمده است: «ملاکین و فلاحین باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد» (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴: ۳/۵۱۵-۵۱۴) که به نظر می‌رسد چنین ملکی با این

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۸۱

قیمت در توان دهقانان نبود. آدمیت نیز اشاره کرده است در نظام‌نامه انتخاباتی، مفهوم فلاح یا زارع بر خرده‌مالک دلالت داشت و به اصطلاح، رعیت بدون آب و ملک را شامل نمی‌شد. مذاکرات مجلس اول نیز از این امر حکایت نمی‌کند که حق نمایندگی این طبقه مطرح شده باشد، بلکه نمایندگی آنان در انحصار ملاکان قرار می‌گرفت و از طبقه رعایا نماینده‌ای انتخاب نمی‌شد (آدمیت، ۲۵۳۵: ۳۵۱).

نسبت نمایندگان زمین‌دار در این مجلس حدود ۲۱٪ ذکر شده است (شجیعی، ۱۳۷۲: ۲۶۱/۴)، اما با توجه به اینکه بسیاری از اعیان و اشراف، شاهزادگان و تجار و نیز سایر مقامات حکومتی در زمره مالکان بودند، نسبت آنان در مجلس اول به ۴۰٪ هم می‌رسید (فوران، ۱۳۹۰: ۲۸۲).

این ترکیب مجلس با همراهی علما و طلاب که اصول مالکیت خصوصی را براساس شریعت محترم می‌شمرد، با تدوین قانون اساسی و تکوین حقوق عمومی برای نخستین بار، قدرت خودکامه شاه را مشروط کرد و بدین‌سان به تغییر سیستم سیاسی از وضعیت شکننده به وضعیت پایه منجر گردید و اصولی را در متمم قانون اساسی تصویب کرد که حاصل آن تثبیت حقوق مالکیت خصوصی بر زمین بود:

اصل پانزدهم: «هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است».

اصل شانزدهم: «ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون».

اصل هفدهم: «سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون».

در میان اسناد موجود، گزارشی از مکالمات کمیسیون تدوین متمم قانون اساسی مشروطه در دست نیست، اما بررسی سوابق اعضای کمیسیون تدوین متمم قانون اساسی، حاکی از پیوند قابل توجه اعضا با تجار و مالکان می‌باشد.

جدول شماره ۱. وابستگی صنفی اعضای کمیسیون تدوین متمم قانون اساسی مشروطه

وابستگی صنفی	نام	ردیف
تجار	سعدالدوله	۱
روحانیت	تقی زاده	۲
تجار	امین الضرب	۳
تجار	محقق الدوله	۴
تجار	مستشارالدوله	۵
روحانیت	سید نصرالله اخوی	۶
تجار	صدیق حضرت	۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

علاوه بر این، مجلس شورای ملی کمیسیونی را برای مطالعه در مسئله اصلاحات اقتصادی تعیین کرد. از جمله اقدامات این کمیسیون می‌توان به «لغو قسمت اعظم مستمری‌ها و امتیازات شاهزادگان»، «انجام اصلاحات در نظام مالیاتی ایالات» و «لغو روش تیول‌داری» اشاره کرد (دانشوری و چاووشی، ۱۳۹۴: ۵۱-۵۲). با نسخ قاعده تیول، تمام اراضی تیولی عملاً به مالکیت متصرفان آن اراضی درآمد (اشرف، ۱۳۵۲: ۱).

تأکید بر حفظ املاک خصوصی در اصول متمم قانون اساسی، تأکید مجلس بر سرکوب جنبش‌های دهقانی و انحلال انجمن‌های روستایی و همچنین افزایش درصد تعداد نمایندگان زمین‌دار به ۴۹٪ در دور سوم، از تأثیر انقلاب مشروطه بر رشد نظام بزرگ مالکی حکایت می‌کند (علم و کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۰۳). بدین ترتیب، مالکان از جانب زارعان به عنوان موکلان آنها در رأس نظام قانونگذاری کشور قرار گرفتند و در عمل قوانینی به تصویب رساندند تا امنیت حقوق مالکیت خود را بیش از پیش تأمین کنند.

نتیجه‌گیری

براساس الگوی نظم‌های اجتماعی و نظریه توازن دوگانه، توازن نظم دسترسی محدود شکننده که در ساحت سیاسی بر مبنای ساخت استبدادی و در ساحت اقتصادی بر مبنای تفوق مالکیت دولتی شکل گرفته بود، از یک طرف با ورود ایران به تجارت جهانی و افزایش تقاضای زمین

و از طرف دیگر، با کاهش درآمد مالیاتی دولت و فروش املاک خالصه به تبع آن، که شکل‌گیری مالکیت خصوصی بر زمین را در پی داشت، از میان رفت. این تغییر ساختار حقوق مالکیت و واگذاری زمین‌ها و املاک خالصه به اشراف و تجار، طبقه جدیدی را به وجود آورد که با بروز زمینه‌های انقلاب مشروطه، برای تثبیت حقوق مالکیت خود، با این انقلاب همراهی کرد و در نهایت، الگوی حاکم بر سیستم سیاسی با تأسیس مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی مشروطه و متمم آن (به عنوان اولین منشور قانونی حقوق عمومی)، از نظم دسترسی طبیعی شکننده به نظم دسترسی طبیعی پایه ارتقا یافت تا ضمن برقراری توازن دوگانه (برقراری مالکیت خصوصی عمدتاً به شکل بزرگ‌مالکی در ساحت اقتصادی و برقراری نظام مشروطه سلطنتی در ساحت سیاسی)، پشتوانه قانونی برای تضمین حقوق مالکیتشان فراهم آید. در این فرایند، از سال ۱۲۸۸ش. زمین‌داران حتی تا رهبری مشروطیت ارتقا پیدا کردند؛ سپهدار تنکابنی یکی از شاخص‌ترین آنهاست که به عنوان وزیر جنگ و نخست‌وزیر نظام مشروطیت تعیین شد.

جدول شماره ۳. سطح سیستم سیاسی و اقتصادی: گذار از وضعیت طبیعی شکننده به پایه

سیاسی	اقتصادی
- افزایش اعتراضات مدنی با هدف تأسیس عدالتخانه و نقش‌آفرینی سیاسی مردم.	- افزایش تجارت محصولات کشاورزی و افزایش تقاضای زمین.
- پیوستن تجار و بزرگ‌مالکان به اعتراضات.	- وقوع قحطی و خشکسالی، کاهش تولیدات کشاورزی و کاهش درآمد مالیاتی.
- پیروزی انقلاب مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی.	- افزایش تصرفات زمین توسط دولت و بزرگ‌مالکان.
- تدوین حقوق عمومی در قالب قانون اساسی مشروطه و متمم آن و تغییر ساختار قدرت از استبدادی به مشروطه.	- استقراض از دول خارجی و بدهکاری دولت.
- تثبیت مالکیت خصوصی و ورود مالکان خصوصی به ساختار سیاسی.	- فروش اراضی خالصه به اشراف، تجار، علما و غیره.
	- شکل‌گیری مالکیت خصوصی.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

ایجاد حاکمیت قانون و ایجاد زمینه‌های تأسیس نهادهای وابسته به ائتلاف نخبگان حاکم، از جمله تأسیس انجمن‌های صنفی، ایالتی و ولایتی، احزاب و سایر نهادهای مدنی، مشارکت بیشتر گروه‌های دارای ظرفیت خشونت در ساختار حاکمیت (دولت و مجلس شورای ملی)،

افزایش درجه رسمیت نهادهای حاکمیتی با تأسیس سازمان‌های وابسته (تخصص‌گرایی و تقسیم کار درونی با تشکیل سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و بانک‌ها) و تبدیل دولت به مهم‌ترین سازمان قابل دوام، انتقال ظرفیت اعمال خشونت به سازمان‌های دولتی (اگرچه هنوز سازمان‌های غیردولتی هم از این ظرفیت برخوردار بودند)، کاهش سطح شخصی بودن روابط با گسترش سازمان‌ها و نهادها، پیچیده‌تر شدن ساختارهای سازمانی و غیره را می‌توان از ویژگی‌های این نظم اجتماعی جدید دانست که بررسی و شناخت ویژگی‌های آنها و سیر تحولاتشان می‌تواند موضوع پژوهش‌های تکمیلی باشد.

منابع و مأخذ

الف. کتب و مقالات

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۵۱)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون؛ عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی.
- _____ (۲۵۳۵)، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: پیام.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، *افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران: آگاه.
- احتشام‌السلطنه، میرزا محمدخان (۱۳۶۷)، *روزنامه خاطرات*، به کوشش سید مهدی موسوی، تهران: زوار.
- احمدزاده، محمدمیر (پاییز ۱۳۹۶)، «مراحل سه‌گانه تحول دولت در ایران دوران ناصرالدین‌شاه قاجار»، *فصلنامه تاریخ ایران و اسلام دانشگاه الزهراء*، سال ۳۷، شماره ۳۵ (پیاپی ۱۲۵)، صص ۹-۳۴.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار*، تهران: انتشارات زمینه.
- _____ (۱۳۵۲)، *مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران*، تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- امانی، مسعود و هادی دهنوی (زمستان ۱۳۹۶)، «تبارشناسی حقوقی و تقنینی مالکیت زمین در ایران»، *فصلنامه قضاوت*، شماره ۹۲، صص ۷۹-۱۰۳.
- انصاری رنانی، قاسم و قنبرعلی کرمانی (۱۳۸۰)، *تجارت در دوره قاجاریه*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: گام نو.
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۱)، «خواسته‌های تجار و پاسخ مشروطیت به آن»، *مجله گنجینه اسناد*، شماره ۷ و ۸، صص ۷۰-۷۸.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۸۵

تحویلدار اصفهانی، میرزا حسین (۱۳۴۲)، *جغرافیای اصفهان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.

سیاح محلاتی، حاج محمدعلی (۱۳۵۶)، *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش سیف‌الله گلکار، تهران: انتشارات امیرکبیر.

حسینی فسائی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲)، *فارسانه ناصری*، به تصحیح منصور رستگار فسائی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.

خداداد، محسن و محمدحسین منظورالاجداد (پاییز ۱۳۸۹)، «پیامدهای اجتماعی قحطی‌های عصر ناصری»، *فصلنامه تاریخ ایران و اسلام دانشگاه الزهراء*، سال بیستم، شماره ۷ (پیاپی ۸۷)، صص ۲۱-۴۳.

دانشوری، حسن و محمدصادق چاووشی (۱۳۹۴)، *جایگاه اراضی مشمول مقررات اصلاحات ارضی در نظام حقوقی ایران*، تهران: انتشارات دادگستر.

رحمانیان، داریوش و مهدی میرکیایی (زمستان ۱۳۹۳)، «تأثیر خشکسالی و قحطی بر وضعیت مالکیت زمین در ایران عصر ناصری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۲۱۹-۲۵۳.

رواسانی، شاپور [بی‌تا]، *دولت و حکومت در ایران*، [بی‌جا]: شمع.

سیف، احمد (۱۳۸۰)، *استبداد، مالکیت و انباشت سرمایه در ایران*، تهران: رسانش.

_____ [بی‌تا]، «نگاهی به زمینه‌های اقتصادی انقلاب مشروطیت»، مندرج در آدرس اینترنتی:

<http://mashrootiat.pchi.ir/show.php?page=contents&id=4441>

شجیعی، زهرا (۱۳۷۲)، *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*، ج ۱، تهران: سخن.

شعبانی، امامعلی و حمیده مهرعلی تبار (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، «حوادث و بلاای طبیعی در قرون میانه تاریخ ایران»، *فصلنامه تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال اول، شماره ۱، صص ۳۹-۶۴.

ظل‌السلطان، مسعودمیرزا [بی‌تا]، *تاریخ و سرگذشت مسعودی*، [بی‌جا]: [بی‌نا].

فوران، جان (۱۳۹۰)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

علم، محمدرضا و سجاد کاظمی (بهار ۱۳۹۶)، «تأثیر انقلاب مشروطه بر تحول نظام زمین‌داری»، *پژوهش‌های تاریخی*، دوره ۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۳)، صص ۹۳-۱۰۶.

عیسوی، چارلز فیلیپ (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار (۱۲۱۵-۱۳۳۲ق)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات کویر.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

لمبتون، آ.ک. س. (۱۳۳۹)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

_____ (۱۳۷۵)، ایران عصر قاجار؛ ترجمه و گفتاری در باب ایران‌شناسی، ترجمه سیمین فصیحی، مشهد: جاودان خرد.

میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله (۱۳۸۱)، رساله‌های میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، به کوشش حجت‌الله اصیل، تهران: نشر نی.

نادی، زهرا، محسن بهشتی سرشت، ذکراالله محمدی و باقرعلی عادل‌فر (۱۳۹۶)، «تأثیر تجاری شدن کشاورزی بر نظام مالکیت زمین در دوره قاجار (مطالعه موردی: مازندران)»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۷۹-۹۲.

ناظم‌الاسلام کرمانی، میرزا محمد (۱۳۸۴)، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، ۳، تهران: امیرکبیر. نورث، داگلاس (۱۳۷۹)، ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: انتشارات نی.

_____ (۱۳۸۵)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

نورث، داگلاس، جان جوزف والیس، استیون بی وب و باری. آر. وینگاست (۱۳۹۵)، در سایه خشونت، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.

نورث، داگلاس، جان جوزف والیس و باری. آر. وینگاست (۱۳۹۶)، خشونت و نظم‌های اجتماعی، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، تهران: انتشارات روزنه.

نوشیروانی، س. و (۱۳۶۱)، «سراغاز تجاری شدن کشاورزی ایران»، مجموعه مقالات مسائل ارضی و دهقانی، تهران: آگاه.

وثوقی مطلق، رجبعلی (بهار ۱۳۸۴)، «مصادره اموال؛ عوامل و پیامدها (عصر ناصری ۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)»، نامه تاریخ‌پروهان، شماره ۱، صص ۱۸۳-۲۱۵.

ب. روزنامه و نشریات

روزنامه حبل‌المتین (۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۱۸)، شماره ۲۲، ص ۱۵.

روزنامه ایران (۱۰ ذی‌القعدة ۱۲۷۷)، شماره ۵، ص ۱۰.

_____ (۱۲ شعبان ۱۲۸۸)، شماره ۱۲، ص ۷.

پ. اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۱۵۶۷۳-۵.

_____، سند شماره ۲۹۵/۴۳۳۱.

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، میکروفیلم ۱۲۲۹، سند شماره ۰۰۹۲.

د. منابع لاتین

- Douglass C. North & John Joseph Wallis & Barry R. Weingast (2006), "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History", NBER Working Papers 12795, *National Bureau of Economic Research, Inc.*
- Thomas Herbert (1927), "Travel in Persia 1606-1682", New York: *R.M. McBride & Company*. British Foreign Office documents (10th May 1811), James J. Morier Reports, 60-7.
- Abrāhāmīān. Y. (1391). *Iran Between the Two Revolutions*, Translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrāhīm Fattāhī, Tehrān: Ney.
- Acemoglu. D., Robinson. J. (1395). *The Role of Institutions in Growth and Development*, Translated by Mahmōūd Motevaselī, Mostafā Samīee Nasab, and Ali Nikoūnesbatī, Tehrān: Imām Sādeq.
- Cottom. R. (1371). *Nationalism in Iran*. Translated by Ahmad Tadayyon, Tehrān: Kavīr.
- Curzon. G. (1380). *Persia and the Persian Question*. Translated by Qolāmālī Vahīd Māzandarānī, Tehrān: Elmī Farhangī.
- Foran. J. (1390). *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran From 1500 To The Revolution*, Translated by Ahmad Tadayyon, Tehrān: Rasā.
- Issawi. C. (1362). *Economic History of Iran, 1800-1914*. Translated by Yaqōūb Ažand, Tehrān: Gostareh.
- Lambton. A.K.S. (1339). *Landlord and Peasant in Persia*. Translated by Manoūchehr Amīrī, Tehrān: Bongāh Tarjome va Našre Ketāb.
- North. D., Wallis. J. and Weingast. B. (1396). *Violence and Social Orders*. Translated by Jāfar Keirqāhān and Reza Majīdzādeh, Tehrān: Rozaneh.
- North. D., Wallis. J., Webb. S. and Weingast. B. (1395). *In the Shadow of Violence*. Translated by Mohsen Mīrdamadī and Mohammad Hosein Naeīmīpoūr, Tehrān: Rozaneh.
- North. D. (1385). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Translated by Mohammadrezā Moeīnī, Tehrān: Country Management and Planning Organization.
- North. D. (1379). *Structure and Change in Economic History*. Translated by Qolamrezā Azad, Tehrān: Ney.

List of sources with English handwriting

- Abrahamian, Ervand. (1391). *Iran Between the Two Revolutions*, Translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi, Tehran: Ney [In Persian].
- Acemoglu, D., Robinson, J. (2014). *Why Nations Fail*, Translated by Pouya Jabalameli, Tehrān: Donyāye Eqtesād [In Persian].
- Acemoglu, D., Robinson, J. (2016). *The Role of Institutions in Growth and Development*, Translated by Mahmūd Motevaselī, Mostafā Samiee Nasab, and Ali Nikounesbati, Tehrān: Emam Sadeq [In Persian].
- Adamiyat, F. (1972). *Andīsh-e taraqqī va Hokūmat-e qānūn: Aṣr-e Sepahsālār*. Tehran: Kārazmī [In Persian].
- Adamiyat, F. (1976). *Fekr-e Demūkrāsī-ye Eǧtemā'ī dar nehẓat-e mašrūfiyat-e Iran*. Tehran: Enteshārāt-e Payām [In Persian].
- Adamiyat, F. & Nateq, H. (1978). *Afkār-e Eǧtemā'ī va Sīāsī va Eqtesādī dar Āǧār-e Montašer Našodeh-ye dūrān-e Qājār*. Tehran: Āgāh [In Persian].
- Ahmadzadeh, M.A. (2016). *The Three Stages of Transition of Government in Iran of Nāser-ul Dīn Šāh Qājār's Era*. *History of Islam and Iran*, vol. 37, no. 125, pp: 9-34 [In Persian].
- Amani, M. & Dehnavi, H. (2018). *Legal and Regulatory Genealogy of Land Ownership in Iran*. *Judgment*, vol. 17, no. 92, pp: 79-102 [In Persian].
- Ansari Rennani, Q. & Kermani, Q.A. (2001). *Trade in Qājār Period*. Tehran: Allameh Tabatabaēi University Press [In Persian].
- Ashraf, A. (1973). *Economic and Social Characteristics of Agricultural Exploitation Systems in Iran*. Thran: Program and Budget Organization [In Persian].
- Ashraf, A. (1980). *Historical obstacles of capitalist development in Iran: Qājār period*. Tehran: Našr-e-Zamīne [In Persian].
- Bashiriye, H. (2005). *Obstacles to Political Development in Iran*. Tehran: Ğām-e-Nū [In Persian].
- Cottom, R. (1992). *Nationalism in Iran*. Translated by Ahmad Tadayyon, Tehran: Kavūr [In Persian].
- Curzon, G. (2001). *Persia and the Persian Question*. Translated by Qolamali Vahid Mazandarani, Tehran: Elmī Farhangī [In Persian].
- Daneshvar, H. & Chavoushi, M.S. (2015). *The Status of Lands Subject to Land Reform Regulations in Iran's Legal System*. Tehran: Dādgostar [In Persian].
- Dehghannejad, A. (2006). *The Institutional Causes of Undevelopment*. *Faculty of Admin. Sciences & Econ. Journal of University of Isfahan*, vol. 18, no. 2, pp: 53-71 [In Persian].
- Ehṡešām ul-Saltāneh (1989). *Roūznāme-ye qāterāt*. Tehran: Zavvār [In Persian].
- Fasaēi, M.H. (2003). *Fārs-Nāmā-ye Nāserī*. Edited by Mansour Rastegar Fasaēi. Tehran: Amīrkabīr [In Persian].
- Fashahi, M.R. (1975). *Intellectual and social developments in the feudal society of Iran*. Tehran: Gutenberg [In Persian].
- Foran, J. (2011). *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 To the Revolution*, Translated Kermani, N. (2007). *Iranian Awakening History*. Tehran: Āgāh [In Persian].
- Issawi, C. (1983). *Economic History of Iran, 1800-1914*. Translated by Yaqoub Ažand, Tehran: Gostareh [In Persian].
- khodadad, M. & Manzour Alajdad, S.M.H. (2010). *The Social Consequences of the Famines of the Nasserite Era*. *History of Islam and Iran*, vol. 20, no. 87, pp: 21-43 [In Persian].
- Lambton, A.K.S. (1960). *Landlord and Peasant in Persia*. Translated by Manouchehr Amiri, Tehran: Bongāh Tarjome va Našr-e Ketāb [In Persian].
- Lambton, A.K.S. (1987). *Qajar Persia*. translated by Simin Fasihi, Tehran: Javīdān kerad.
- Mas'ūd Mirzā zell ul-Soltān. (1983). *Tārīḡ Sargozašt Mass'ōudī*. Tehran: Donāy-e-Ketāb [In Persian].
- Mīrzā Melkōūm Kān (2004). *Treatises*. Tehran: Ney [In Persian].

- Nādī, Z et al. (2018). The Impact of Agricultural Commercialization on the land ownership system In the Qājār period (Case study: Māzandarān). *Research History of Iran Local Histories*, vol. 8, pp: 79-92 [In Persian].
- National Library and Records Organization of Iran. Fiscal History of Iran. Manuscript, Retrieval Number: 5-15673 [In Persian].
- North. D. (2000). *Structure and Change in Economic History*. Translated by Qolamreza Azad, Tehran: Ney [In Persian].
- North, D.C. & Wallis, J.J. & Weingast, B.R. (2006). "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History," NBER Working Papers 12795, National Bureau of Economic Research, Inc.
- North. D. (2007). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Translated by Mohammadrezā Moeīnī, Tehran: Country Management and Planning Organization [In Persian].
- North. D., Wallis. J., Webb. S. and Weingast. B. (2016). *In the Shadow of Violence*. Translated by Mohsen Mīrdamadī and Mohammad Hosein Naeīmīpoūr, Tehrān: Rozaneh [In Persian].
- North. D., Wallis. J. and Weingast. B. (2016). *Violence and Social Orders*. Translated by Jāfar ĶeirĶāhān and Reza Majīdzādeh, Tehran: Rozaneh [In Persian].
- Noushirvani, V. (1992). *The beginning of Commercializing Agriculture in Iran in Lands and Peasant Problems*. Tehran: Āgāh [In Persian].
- Rahmaniyan, D. & Mirkiyae, M. (2015). The Impact of Drought and Starvation on Land Ownership in Iran in the Nāserī era. *A Quarterly Journal of Historical Studies of Islam*, vol. 7, no. 23, pp: 219-253 [In Persian].
- Ravasani, Sh. (?). *The State and Government in Iran*. Šam [In Persian].
- Rennani, M. (2016). *Unequal Social Order*. *DarīĶeh*, vol. 11, no. 40, pp:5-11 [In Persian].
- Salehi Esfahani, H. & Ceviker Gurakar, E. (2014). "Social Order, Rents, and Economic Development in Irna Since the Early 20th Century", *The Economic Forum*, wp 85.
- Sayyah, M.A. (1977). *An Iranian in Nineteenth Century Europe: The Travel Diaries of Hāj Sayyāh, 1859-1877*. Tehran: Amīr Kabīr [In Persian].
- Seyf, A. (1994). *Qarn-e Gom Šodeh. Eqtesād va jāme'e-ye Iran dar qarn-e nūzdahom*. Tehran: Našr-e Ney [In Persian].
- Seyf, A. (2001). *Dictatorship, ownership and Capital Accumulation*. Tehran. Rasāneš [In Persian].
- Seyf, A. (?). *A look at The Economic Fields of the Constitutional Revolution*. Published in Internet: <http://mashrootiat.pchi.ir/show.php?page=contents&id=4441> [In Persian].
- Shabani, I.M. & Mehr Ali Tabar, H. (2013). *Natural Disasters at Middle Ages of Iran's History*. *Social History Studies*, vol. 3, no. 1, pp: 39-64 [In Persian].
- Shajīee, Z. (1993). *Iran's political elites from the constitutional revolution to the Islamic revolution*. Tehran: SoĶan [In Persian].
- Tahvildar Esfahani, M.R. (1963). *Isfahan's Geography*. Edited by Manouchehr Sotoudeh, Tehran: Tehran University Press [In Persian].
- Torabi, S. (1992). *The Demands of Merchants and Constitutionalism's Response to It*. *Ganjīneh-e-asrār*, no. 7 & 8 [In Persian].
- VosuĶi, R.A. (2007). *Confiscation of Properties; Reasons and Consequences in Nasserī Era*. *TārīĶ Pajoūhān*, no. 1 [In Persian].
- Zamani, R. (2013). *Analysis of Changes in Social Order in Iran in Recent Centuery*. Ph.D. Thesis, Tehran: AllāmeĶ Tabābtābāeī University [In Persian].
- Zamani, R. (2019). *Analysis of Changes in Social Order in Iran from Constitutional Revolution to Islamic Revolution (1906-1979)*. *Journal of Economic Resaerch*, vol. 19, no. 73, pp: 75-118 [In Persian].



Studying Private Property Appearance and Constitutional Revolution in Iran Through the Social Orders Approach of Institutional Economics¹

Ali Jafari Shahrestani²
Farshad Momeni³
Hojjatollah Mirzaei⁴

Received: 2022/09/04
Accepted: 2023/02/20

Abstract

The main objective of this paper is to investigate the relationship between the emergence of private property and the constitutional revolution in Iran by using the social order approach with qualitative research methods. The results show that the Iranian social order during this period was a fragile order with limited access. The authoritarian system distributed land rents among elites and deviated from the security of property rights by creating insecurity to secure its benefits. During the reign of Shah Nasereddin, drought shocks led to tax cuts and forced governments to sell off lands. On the other hand, the connection to international trade through the export of agricultural products led to the reallocation of capital to the land business. These events led to an expansion of private property in the form of large landholdings.

According to the theory of double equilibrium, economic and political systems cannot differ in the long run. Thus, at the beginning of the constitutional revolution, private landowners joined the movement. The codification of principles (15), (16) and (17) in the constitutional amendment and the abolition of vassalage guaranteed their property rights. Therefore, in political terms, the social order changes to a basic order with limited access, and the dual equilibrium is restored.

Keywords: Social Order, Dual Balanced, Private Property, Constitutional Revolution, Qajar.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.39814.2637

2. Ph.D candidate of Economic Development and Planning, Allameh Tabatabaei University, Thran, Iran. a.j.shahrestani@gmail.com

3. Professor of Economic Development and Planning, Allameh Tabatabaei University, Thran, Iran. (Corresponding author) farshad.momeni@gmail.com

4. Professor Assistant of Economic Development and Planning, Allameh Tabatabaei University, Thran, Iran. ho.mirzaei@atu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN: 2538-3493